



سیری در اندیشه ناب بشری امام خمینی(ره) : وصیت‌نامه سیاسی الهی بنیانگذار نظام جمهوری، تمدن‌ساز باقی می‌ماند

نام امام را یادآور اسلام می‌دانیم و الهام‌بخش عزت، عدالت‌خواهی، استکبارستیزی، استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی.

نام امام را یادآور اسلام می‌دانیم و الهام‌بخش عزت، عدالت‌خواهی، استکبارستیزی، استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی. به امام استناد می‌کنیم برای دفاع از عقلانیت، برای ستیز با تحجر، برای نفی التقاط، امام را حجت موجه خود می‌دانیم برای امکان همراهی اخلاق و سیاست. با تمام وجود شیرینی نام امام را می‌چشیم که هیچ‌گاه از امت جدا نبود. چندان نیاز به دلیل نیست که چرا امام را تا این حد دوست داریم.

اما چطور می‌توان اندیشه امام خمینی(ره) را شناخت؟ پاسخ به این سوال را شاید بتوان در وصیت‌نامه سیاسی - الهی ایشان یافت. این گزارش در تلاش است از مجرای وصیت‌نامه درکی هر چند مختصر نسبت به تفسیر انقلاب اسلامی و عناصر موثر در بقاء آن از منظر امام خمینی (ره) را در ذهن مخاطب ترسیم کند.

به گزارش خبرنگار ایسنا، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در وصیت‌نامه سیاسی الهی خود، مولفه‌های هویت انقلاب اسلامی را بر می‌شمارد، چرایی و انگیزه وقوع آن را ذکر می‌کند و پیوند آن را با هدف تشکیل حکومت اسلامی بیان می‌کند. از شرایط بقاء و تداوم نظام جمهوری اسلامی سخن می‌گوید، از آفات و تهدیدها یاد می‌کند و به بایدها و نبایدهای ارکان نظام اشاره می‌کند. وصیت‌نامه، نوع نگاه امام خمینی(ره) را نسبت به جایگاه دین و منابع آن از جمله قرآن و سنت به خوبی انعکاس می‌دهد. وصیت‌نامه را که می‌خوانیم به خوبی می‌یابیم که انقلاب اسلامی منحصر به گستره‌ی مرزهای جغرافیایی کشورمان نیست. رسالت و مسئولیت ملت ایران را در برابر جهان اسلام و بلکه بشریت امروز به روشنی در می‌یابیم. وصیت‌نامه اگرچه مختصر است اما بسیاری از نگرانی‌ها و آرزوهای بنیانگذار جمهوری اسلامی را انعکاس می‌دهد. وصیت‌نامه امام(ره) منسجم است و محدود به شرایط زمانی خاص نیست. مخاطب آن، فقط نسل حاضر نیست بلکه امام با آیندگان نیز سخن گفته‌اند.

وصیت‌نامه سیاسی الهی حضرت امام(ره) با یک مقدمه 7 صفحه‌ای که شرح مختصری بر معارف حقه و اندیشه و عقیده الهی ایشان می‌باشد، آغاز می‌شود. اگرچه این مقدمه به گونه‌ای شهادت و گواهی امام به اصول اعتقادی و ارکان مهم نظری و عملی اسلام می‌باشد. لکن دقت و توجه بیشتر در این سطور بیانگر آن است که حضرت امام قصد آن داشتند تا در همین مختصر نیز حقانیت دین الهی و سنت پیامبر (ص) و به تعبیر خود ایشان، خط توحید و راه پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (س) و نفی طاغوت را بازگو کرده و از این طریق با آخرین کلام و وصیتش که بعد از وی معرف عقیده و مرام آن حضرت خواهد بود، اسلام ناب محمدی (ص) را پس از 1400 سال یک بار دیگر از انحرافات، اوهام و اضافات ساخته شده به دست دین‌فروشان و دشمنان مغرض و جاهلان متنسک ممتاز کنند.

در این مقدمه، امام با تکیه بر همراهی دین و سیاست با ذکر نمونه‌های عینی به بیان حقانیت این طرز تفکر پرداخته و مدعیان دروغین اسلام در طول تاریخ و منادیان اسلام آمریکایی در عصر حاضر را معرفی کرده و با مشخص کردن چهره واقعی اسلام و تبیین اسلام نام محمدی (ص) به انحرافات ایجاد شده در دنیای امروز که در ادامه حرکت‌های اسلام‌زدایی گذشته دشمنان می‌باشد، اشاره کرده و ارائه طریق می‌کند.

امام با یادآوری حدیث ثقلین و تبیین مقام و منزلت کتاب خداوند و اهل بیت شریف رسول اکرم (ص) در واقع در تلاش است که هویت و مبانی فکری و عملی انقلاب اسلامی را معرفی کنند. امام، انقلاب اسلامی را ریشه‌دار در معارف قرآن و تعالیم اهل بیت(ع) معرفی می‌کنند تا انقلابیون بدانند در چه مسیری باید گام بردارند و آیندگان بدانند این انقلاب از کدام مبداء برخاسته تا در انتخاب هدف و مقصد دچار سردرگمی یا انحراف نشوند.

به دنبال این مقدمه، بنیانگذار جمهوری اسلامی به حسب وظیفه و با امید به تداوم انقلاب اسلامی و بقای دستاوردهای آن با سفارش نسل حاضر و نسل‌های آینده به آنچه که در حفظ و بقای این ودیعه الهی دخالت دارد به بیان دو تذکر اساسی در «لزوم توجه به پیدایش و کیفیت مبارزه و انگیزه انقلاب» و «قدرت و توانمندی اسلام و حکومت اسلامی در به سعادت رساندن جوامع انسانی و اداره امور و مقدرات آن و تحقق عدالت اجتماعی و نفی مظاهر ظلم و فساد که از موانع کمال انسان‌ها به حساب می‌آید» می‌پردازد و آنگاه در 18 بند با ارائه رهنمودهای عملی و سازنده خویش که ضامن تداوم انقلاب اسلامی و عزت و سربلندی ملت‌هاست، حجت را بر اقشار مختلف جامعه، مسئولین و دولت‌مردان جمهوری اسلامی ایران، حکام کشورهای اسلامی، مسلمین سراسر دنیا و مستضعفان جهان تمام می‌کند.

حضرت امام(ره) در این قسمت به مقایسه انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی با انقلاب‌ها و نظام‌های دیگر، مردم آن با مردم دیگر کشورها، مسئولان آن با مسئولان زمان طاغوت، به ارائه توصیه‌هایی به مخالفان و مغرضان و فریب‌خوردگان، برای داشتن قضاوت صحیح، پرداخته و مردم را به گرمی داشتن انقلاب و دانستن قدر نعمات آن دعوت می‌کنند.

تاکید امام بر فقه قابل توجه است. امام عارفی بود که پایبندی به فقه و شریعت را در مسیر عرفان و سیر و سلوک ضروری می‌شمرد. امام در کتاب «چهل حدیث» در این مورد می‌نویسد: «و بدان که هیچ راهی در معارف الهیه پیموده نمی‌شود مگر آن که ابتدا گند انسان از ظاهر شریعت و تا انسان متادب به آداب شریعت حق نشود، هیچ یک از اخلاق حسنه از برای او به حقیقت پیدا نشود و ممکن نیست که نور معرفت الهی در قلب او جلوه کند و علم باطن و اسرار شریعت از برای او منکشف شود»

و پس از انکشاف حقیقت و بروز انوار معارف در قلب نیز متادب به آداب ظاهره خواهد بود و از این جهت دعوی بعضی باطل است که به ترک ظاهر، علم باطن پیدا شود. یا پس از پیدایش آن به آداب ظاهره احتیاج نباشد و این از جهل گوینده است که به مقامات عبادات و مدارج انسانیت...» چهل حدیث، حدیث اول، ص 7

در وصیت‌نامه امام آثار التزام به فقه را تنها در سلوک فردی مشاهده نمی‌کنیم بلکه در عرصه فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و تعهد به احکام فقهی به ویژه مدیران نظام را ملزم به قانونمندی و ضابطه‌مداری می‌نماید. حضور عنصر فقه در اندیشه سیاسی امام خمینی، رهاورد مبارک قاعده‌مندی و نظارت‌پذیری رفتارهای سیاسی را به دنبال داشته است.

امام خمینی(ره) توجه مخاطب را به این نکته مهم جلب می‌کند که «گاه با استفاده ابزاری از قرآن، تعالیم و احکم آن را کنار می‌گذارند. گاه نیروی دین، علیه دین به کار گرفته می‌شود. مخالفان انسانیت، برای سریدن به مطامع خود، بارها و بارها از ظاهر دین برای مقابله با باطن آن سود جست‌اند و این هشدار است برای همگان که ظاهر دینی لزوماً باطن الهی را به همراه ندارد. تاکید فراوان امام برای تفکیک «اسلام ناب» از «اسلام‌های دروغینی» که ایشان آن را اسلام آمریکای معرفی می‌کردند، به این دلیل بود که برای تشخیص درستی راه، نمی‌توان به ظواهر اکتفا کرد. در اسلام‌های دروغین نیز قرآن، نماز، حج، انفاق، شعارهای دینی و تعظیم شعائر هست و همین مساله تشخیص را سخت‌تر می‌کند.» صحیفه امام، جلد 21

امام(ره) در وصیت‌نامه خود استکبارستیزی را جزء ویژگی‌های انقلاب اسلامی معرفی می‌کند به گونه‌ای که سازش با مستکبران و بی‌اعتنایی به ظلمی که بر مستضعفین عالم واقع می‌شود را انحرافی از خط اصیل انقلاب اسلامی معرفی می‌کند. تاکید امام بر استکبارستیزی از بینش توحیدی او سرچشمه می‌گیرد که می‌فرماید: «آیا باید تصور نمود که مبارزه انبیاء با بت و بت‌پرست‌ها منحصر به سنگ و چوب‌های بی‌جان بوده است و نعوذبالله پیامبرانی همچون ابراهیم در شکستن بت‌ها پیش‌دم و اما در مصاف با ستمگران، صحنه مبارزه را ترک کرده‌اند؟ ... راستی کدام انسان عاقلی است که بت‌پرستی جدید و مدرن را در شکل‌ها و افسون‌ها و ترفندهای ویژه خود نشناخته باشد و از سلطه‌ای که بت‌خانه‌هایی چون کاخ سیاه بر ممالک اسلامی و خون و ناموس مسلمین و جهان سوم پیدا کرده‌اند، خبر نداشته باشد؟» صحیفه امام، جلد 20

امام خمینی(ره) هیچ‌گاه پیروزی انقلاب اسلامی را در غیاب عنایات غیبی خداوند تحلیل نمی‌کرد و این نکته در نگرش توحیدی و واقع‌گرایی امام ریشه دارد. امام واقعیت عالم را آن گونه که بود، می‌دیدند به همین دلیل به ظواهر بسنده نمی‌کردند. نیروهای موثر را منحصر در عوامل مادی نمی‌دیدند و از امور معنوی و از نقش ایمان و اعتقاد غفلت نمی‌ورزیدند. امام(ره)، قوانین و سنن عالم را حامی جریان حق می‌دید و انقلاب اسلامی را تجسم «ان تنصرالله ینصرکم و یتبیت اقدامکم» می‌دید. امام انقلاب اسلامی را در غیاب استعدادهای معنوی و تحول روحی مردم تفسیر نمی‌کرد.

ایشان شان شایسته ملت ایران را این می‌دیدند که برای سایر ملت‌ها الگو و معلم باشند و پرچم بیداری جهان اسلام و بلکه رهایی مستضعفین را به دوش بکشند. این توقع امام(ره) از مردم ایران، موجبات رشد ملت را فراهم آورد؛ چراکه هرگاه در فرد یا جامعه‌ای روح مسئولیت‌پذیری و آرمان‌گرایی دمیده شود، حرکت و نشاط آغاز می‌شود و زمینه برای شکوفایی استعدادها و بروز توانایی‌ها فراهم می‌شود. امام، مردم ایران را صاحب رسالت و مسئولیت می‌دید. تاکید امام بر عنصر مسئولیت، تصویری که ملت ایران از خود داشت را متحول ساخت. امام، جایگاه ملت ایران را ارتقاء بخشید.

بعد از این قسمت امام خمینی با معرفی نحوه عملکرد استعمارگران و راه‌های مقابله با این توطئه تا رسیدن به استقلال فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و مراقبت در نحوه برقراری روابط با این چپاول‌گران بین‌المللی، وصایای ارزنده‌ای ارائه می‌دهند. در پی آن بنیانگذار جمهوری اسلامی با ارائه توصیه‌هایی گرانقدر، روش‌های مقابله با توطئه‌ها را به مسئولان تعلیم و تربیت و دانشگاهیان متذکر می‌شوند.

توجه امام به دانشگاه‌ها ناشی از اهمیتی است که ایشان برای نیروی انسانی جامعه قائل بودند. چگونگی وضعیت جامعه به مقدار زیادی تابع طرز تفکر و چگونگی عملکرد آن است بنابراین برای اصلاح جامعه و حضور در مسیر عدالت، پیشرفت و استقلال باید بر نهادهای انسان‌ساز جامعه تاکید کرد. برای تضمین آینده سرشار از سعادت و سلامت باید نسبت به امروز دانشگاه‌ها ادای وظیفه نمود. مروری بر بعضی جملات از امام به خوبی نشان می‌دهد که دانشگاه نزد ایشان از چه جایگاه برخوردار بوده است: «دانشگاه مرکز سعادت و در مقابل (موجب) شقاوت یک ملت است. از دانشگاه باید سرنوشت یک ملت تعیین بشود. دانشگاه خوب یک ملت را سعادت‌مند می‌کند و دانشگاه غیراسلامی، دانشگاه بد، یک ملت را به عقب می‌زند.» صحیفه امام جلد 8

بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در بخش دیگری از این وصیت‌نامه توجه مخاطبان را به نقش زنان در شکل‌گیری، پیروزی و تداوم نهضت اسلامی جلب می‌کند. امام از یک سو به اتهامات مطرح شده از سوی کسانی پاسخ می‌گوید که انقلاب اسلامی را مانع حضور زن در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی معرفی می‌کند و هم از سوی دیگر رویکرد متحجربینی را مذمت می‌کند که به نام دین، حضور فعال زنان در عرصه تعیین سرنوشت را بر نمی‌تابند. روند انقلاب اسلامی در سال‌های طولانی دفاع مقدس، حجت غیرقابل انکاری است بر اینکه انقلاب اسلامی امکان حضور تداوم با حفظ دیانت و سلامت زنان را در عرصه فعالیت‌های اجتماعی به اثبات رسانده است و این‌که اساساً زن نمونه اسلام از هیچ یک از صحنه‌هایی که سرنوشت جامعه را رقم می‌زند، غیب نیست.

امام خمینی از عزاداری بر مصائب اهل بیت (ع) و لعن و نفرین بر دشمنان اهل بیت تفسیری فرازمانی و فرامکانی ارائه می‌دهد. امام از مخاطبان خود می‌خواهد که دشمنان راه سعادت را تنها به نمرود و فرعون و ابوجهل و معادین و یزید منحصر ندانند. طاغوت‌های امروز را نیز جستجو کنند. این نکته به ویژه در پیام سالانه امام به کنگره عظیم حج قابل پیگیری است.

در وصیت‌نامه امام، جامعه‌ای که تحقق آرمان‌های بلند عدالت، پیشرفت و استقلال را جستجو می‌کند با مسیری ناهموار مواجه است و باید لوازم حضور در این مسیر را فراهم کند و هزینه‌های مناسب را پرداخت کند. در نگاه امام حضور در مسیر آرمان‌گرایی، عین مبارزه و جهاد است و گرفتار شدن در تجملات، مصرف‌گرایی و عافیت‌طلبی مانع مسیر می‌شود. شعار آرمان‌گرایی سر دادن و همزمان به سمت مصرف‌گرایی حرکت کردن یک تناقض است. جامعه را دچار سرگردانی و در نهایت شعار آرمان‌گرایی را از محتوا تهی می‌سازند و البته باید توجه داشت مصرف‌گرایی و رفاه‌طلبی غیر از داشتن یک زندگی آبرومندانه و به دور از فقر است که بتوان در سایه آن به رشد و تعالی دست یافت. نه مذمت مصرف‌گرایی به معنای مخالفت با تولید ثروت و کار است و نه رد رفاه‌طلبی را باید به رضایت دادن به فقر معنا کرد.

مصرف‌گرایی و عافیت‌طلبی روحیه مقاومت را در هم می‌شکند و فرهنگ مبارزه را از بین می‌برد: «ملت عزیز ما که مبارزان حقیقی و راستین ارزش‌های اسلامی هستند، به خوبی دریافته‌اند که مبارزه با رفاه‌طلبی سازگار نیست و آن‌ها که تصور می‌کنند مبارزه در راه استقلال و آزادی مستضعفین و محرومان جهان با سرمایه‌داری و رفاه‌طلبی منافات ندارد با الفای مبارزه بیگانه‌اند و آنهایی هم که تصور می‌کنند سرمایه‌داران و مرفهان بی‌درد با نصیحت و پند و اندرز متنبه می‌شوند و به مبارزان راه آزادی پیوسته و یا به آنان کمک می‌کنند، آب در هاون می‌کوبند. بحث مبارزه و رفاه و سرمایه، بحث قیام و راحت‌طلبی، بحث دنیاخواهی و آخرت‌جویی دو مقوله‌ای است که هرگز با هم جمع نمی‌شوند.» صحیفه امام، جلد 21

همان‌طور که در صدر گزارش بیان شد گردآورنده در تلاش بود تمی از دریای اندیشه ذلال امام خمینی (ره) را که متصل به اقیانوس بی‌کران تفکر ناب اصلاط مطهرشان است، تقدیم کند که امید است به این هدف رسیده باشد. در باب اهمیت وصیت‌نامه سیاسی الهی بنیانگذار جمهوری اسلامی، مقام معظم رهبری تاکید داشتند «وصیت‌نامه امام راحل دستورالعمل ملی برای پیشرفت، توسعه و سرافرازی ایران است» و حالا کتابی توسط مرکز فرهنگی دانشگاهی امام خمینی و انقلاب اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی تحت عنوان «رهیافت تحلیلی بر وصیت‌نامه سیاسی الهی امام خمینی(ره)» تدوین و پس از بررسی دقیق توسط یک هیات 30 نفره از اساتید دانشگاهی و صدور مجوز توسط موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره) در 13 فصل و 264 صفحه آماده تدریس مدرسان «درس وصیت‌نامه» به نسل سوم و چهارم انقلاب است تا این تفکر و اندیشه ناب بشری، تمدن‌ساز باقی بماند.

خبرنگار ایسنا: هادی فرهنگ‌زاد